

پیامد بازگشت کننده مرگ امیر محمد خالقی

مهرزاد شفیع پور



ملتهای فقیر تمرکز می یابند. حال آنکه ملت های غنی بسیاری از مخاطرات را تا آنجا امکان پذیر باشد، می توانند از خود دور سازند. وانگهی، ملتهای غنی با تولید و فروش تکنولوژی های که می توانند از رخداد مخاطرات جلوگیری کنند و یا در صورت وقوع آن را کم اثر سازند، از مخاطرات تولید شده خودشان سود می برند.^۱

با این همه چه افراد یا ملت هایی که تولید کننده و کانون این مخاطرات (چون جنگ هسته ای، تخریب محیط زیست و ...) هستند در برابر این مخاطرات مصون نخواهند ماند. در همین جا است که بک از آنچه که خود «پیامد بازگشت کننده اش» می نامد، سخن می گوید؛ یعنی عوارض جانبی مخاطره «حتی کانونهای تولیدشان را نیز در امان نمی گذارد.

بدین سان تردیدی نیست که خود عاملان یا مسببین در همین گرداب مخاطراتی می افتند که خودشان در ایران امروز برپا کردند و از آن سود می برند.

منابع:

۱. ریتزر، جورج، (۱۳۷۴)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، صفحات ۷-۷۷۶، انتشارات علمی.

مرگ امیر محمد خالقی دانشجوی دانشگاه تهران که جانش را به خاطر ترس از دست دادن لپ تاپش از دست داد. نمادی از جامعه فقیر و گرفتار در گرداب پر از مخاطره ایران امروز است. بدین سان تردیدی نیست که خود عاملان یا مسببین در همین گرداب مخاطراتی می افتند که خودشان در ایران امروز برپا کردند که از آن سود می برند.

مخاطره با جوامع و طبقات اجتماعی آن ارتباط تنگاتنگی دارد. به گفته الیوش بک، تاریخ توزیع مخاطره نشان می دهد که مخاطره نیز مانند ثروت به الگوی طبقاتی می چسبد، ولی به صورت وارونه، به این صورت که ثروت در تارک هرم انباشته می شود و مخاطره در قاعده آن. لذا مخاطرات به جای کاهش فاصله طبقاتی آن را افزایش می دهد. فقر انواع مخاطرات ناگوار را به خود جذب می کند که مرگ ناگوار امیر محمد اکنون نمادی از آن است.

برعکس، ثروت (در درآمد، قدرت یا آموزش) می تواند امنیت و آزادی از مخاطره را خریداری کند که متأسفانه امیرمحمد از آن محروم بود و گرنه او اکنون در میان ما زنده بود.

در نتیجه آنچه در مورد طبقات اجتماعی صحت دارد در مورد ملتها نیز درست است. یعنی، تا آنجا ممکن باشد، مخاطرات در